

## نامه تروتسکی به شورای نویسندگان زیر درفش مارکسیسم

رفقای عزیز!

فکر انتشار مجله ی شما که بایستی راهنمای پرولتاریای جوان پیشاهنگ در عرصه ی نگرش ماتریالیستی به جهان باشد به نظر من بسی ارزشمند و پربار است.

نسل قدیمی کارگران کمونیست که امروزه نقش رهبر را در حزب و کشور ایفا می کند، ده پانزده، بیست سال پیش یا شاید هم بیشتر از این ها به زندگی آگاهانه ی سیاسی روی آورده است. او با مبارزه علیه پلیس سازمانهای مخفی زندان تزارسیم و سرمایه داری بود که اندیشیدن را آغاز کرد. اغلب اوقات در زندان یا تبعید بود که با مسائل فلسفه ی تاریخ و برداشت علمی از جهان آشنا شد. بدین ترتیب پیش از آن که پرولتاریای انقلابی با مهمترین مسائل تبیین ماتریالیستی تکامل تاریخی آشنا شود، توانسته بود برپایه ی تجربه ی مبارزاتیش در زندگی انبوهی از آموخته ها را بر مبنای حرکت از خاص به عام بیندوزد.

لیکن کارگر جوان امروزی در چهارچوب نظام شوروی بیدار می شود که خود نقد زنده ای از دنیای کهن است. نتیجه گیریهای کلی که نسل قدیم کارگران از تجربه ی مبارزاتی شخصیش بیرون کشیده و به طرز خدشه ناپذیری به صورت تنوری جمع بندی کرده امروز به شیوه ی تقریباً مستقیمی از دست حکومتی که نسل جوان کارگران در پرتو آن زندگی می کند به این نسل می رسد. چنین امری بیشک نشانگر پیشروی بزرگی در زمینه ی پرورش سیاسی ونظری گسترده تر کارگران است. ولی در عین حال در سطح و مرحله ی کنونی که به طرز مقایسه ناپذیری از سطحی که کارگران قدیمی به آن رسیده بودند پیشرفته تر است، وظایف نوین و دشوار تازه ای پیش پای نسل جدید قرار می گیرد.

دولت شوروی، نفی زنده ی جهان کهن، نظام اجتماعی آن، روابط متقابل اعضای آن و عقاید و باورهای آن است، ولی در همان حال این دولت از این سوی و آن سوی درگیر با تضادها، اشتباهات، اختلاف نظرها، ناراضیاتی فتنه انگیز و دریک کلام درگیر تاثیرهایی است که میراث گذشته و جوانه های آینده در آن بهم گره خورده اند.

در چنین دوران پرگسست و نقدآمیزی که ما به سر می بریم، بایستی کارمان را بر پایه های نظری استوار و محکمی بنا سازیم. برای این امر، برای اجتناب از این که حوادث نامنظره، جذرومدهای شدید و تغییرهای شتابان وظایف و روشهای عمل حزب، در ذهن نسل کارگران جوان سردرگمی نبراکند و اراده شان را فلج نسازد، باید اندیشه و اراده ی آنان به روش برداشت ماتریالیستی جهان مسلح شود. بدین ترتیب است که این نسل می تواند با دشواریهای وظیفه ای که مسئولیت آن را بر دوش دارد، دست و پنجه نرم کند.

از آن رو از مسلح کردن توده- و نه فقط اندیشه- سخن می گویم که در این دوران جنب و جوشهای عظیم و گسترده، اراده ی ما بایستی پیش از هر وقت دیگری تنها با اتکا به شناخت علمی شرایط و علل تکامل تاریخی، رزمندگی خود را حفظ کند.

از سوی دیگر به ویژه در دورانهای پرجنبش و گسست آمیزی همانند دوران ما و به خصوص هنگامی که آهنگ حرکت حوادث انقلابی از آنچه که امید می رفت کندتر است، تقلای مکتب ها و فرقه های فلسفی گوناگون ایده آلیستی و نیمه ایده آلیستی ذهن کارگران جوان را پیوسته به خود معطوف می دارد. اندیشه ی جوانان کارگر بدون برخورداری از تجربه ی عملی ارزشمند مبارزه ی طبقاتی، چه بسا غافلگیر حوادث شده و در برابر گرایشهای گوناگون ایده آلیسم که اساساً جزم های مذهبی را به زبانی به اصطلاح فلسفی بیان می دارند، خلع سلاح شود. همه ی این مکاتب با هرنامی که خوانده شوند- ایده آلیستی، کانتیستی، امپریوکریتیسیستی و دیگران- نهایتاً در تایید این نکته بهم می رسند که ذهن، اندیشه و شناخت را بر ماده مقدم می دارند و نه بر عکس.

وظیفه ی آموزش نسل جوان کارگر بر این مبتنی است که قوانین اساسی تکامل تاریخی و به ویژه مهمترین این قوانین را برایشان توضیح دهند. قانونی که بیان می دارد شناخت انسانی نه روند روانی مستقل، بلکه معلول بنیادهای اقتصادی و مادی است، توسط این بنیادها مشروط می گردد و در خدمت آنها در می آید.

وابستگی شناخت به منافع و مناسبات طبقاتی و وابستگی این منافع و مناسبات به ساخت اقتصادی جامعه، در دوران انقلابی به نحو برجسته ای مشخص می شود. ما باید با اتکاء به تجربه ی منحصر به فردمان به نسل جوانان کارگر کمک کنیم تا اصول روش مارکسیستی را ملکه ی ذهن خویش سازند، ولی این کافی نیست. خود جامعه ی بشری هم از نظر ریشه های تاریخی و هم از جهت اقتصاد معاصرش، حاصل جهان طبیعی- تاریخی است. بایستی به انسان امروزی همانند حلقه ای از سلسله زنجیر تکاملی نگریست که با اولین هسته آلی آغاز می گردد که خودش حاصل آزمایشگاه طبیعت است، آزمایشگاهی که کانون عملکرد خصوصیات فیزیکی و شیمیایی ماده است. کسی که با چشم باز آموزش می بیند و گذشته ی تمامی جهان از جمله جامعه ی بشری، قلمرو حیوانی و گیاهی، منظومه ی شمسی و منظومه های بی شمار پیرامونش را در نظر می گیرد، چنین کسی به کتابهای "وحی شده ی" کهن و افسانه ی فلسفی دوران طفولیت بشر اکتفا نمی کند و کلید رمز آفرینش جهان را در ذهن جستجو نمی کند. کسی که وجود نیروهای آسمانی را که قادر باشند در زندگی خصوصی یا اجتماعی افراد دخالت کنند و به آن جهت بدهند، انکار می کند، کسی که اعتقاد ندارد احتیاج و رنج انسانها در دنیایی دیگر پاداش موهوم و مجهولی خواهد یافت، چنین کسی روی زمین استواری ایستاده است و تکیه گاه کار نظریش را با جرات و اطمینان بیشتری در شرایط مادی جامعه جستجو می کند. برداشت مادی از جهان نه فقط پنجره ای گشاده به روی تمامی گیتی باز می کند، بلکه پولادین ساز اراده است. تنها همین اراده ی پولادین است که انسان معاصر را به انسان راستین تبدیل می سازد. درست است که این انسان راستین در بند اوضاع مادی ستمگرانه است، ولی اکنون دیگر می داند که چگونه بر اوضاع چیره شود و در بنای جامعه ی جدید فعالانه شرکت می جوید. جامعه ای که به طور همزمان بر پایه پیشرفت تکنیک و وسیع ترین همبستگی انسانی بنا شده است.

مهمترین وظیفه ی شما، ارائه ی جهانبینی ماتریالیستی به نسل جوان کارگران است. برای مجله ی شما که می خواهد در این کار آموزش سترگ سهمیم باشد از صمیم قلب آرزوی موفقیت می کنم.

با درودهای کمونیستی

ل. تروتسکی

۱۹۲۲/۲/۲۷

از میان تاریخ مبارزات فلسفی در شوروی

نویسنده: رنه زاپاتا

ترجمه محمد جعفر پوینده

چاپ ۱۳۸۰

تهیه و تنظیم از: اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی

<http://www.javaan.net>